

۲۲۰۶۵۲۷

کوتاه‌ترین داستان‌های کوتاه جهان

داستان‌های پنجاه و پنج کلمه
داستان‌هایی از قتل، عشق، وحشت، هراس

گردآورنده: استیوماس

www.ketab.ir

ترجمه: اسدالله امرایی



نشر گویا

سرشناسه: ماس، استیو، ۱۹۴۸ - م. Moss, Steve

عنوان و نام پدیدآور: کوتاه ترین داستان های کوتاه جهان: داستانهای پنجاه و پنج کلمه: داستان هایی از قتل، عشق، وحشت، هراس / گردآورنده استیو ماس؛ مترجم اسدالله امرایی.

مشخصات نشر: تهران: نشر گویا، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۹۹ ص: ۱۴ × ۲۱ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۹۱-۸۸-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

رده بندی کنگره: PS۶۴۸

رده بندی دیویی: ۸۱۳/۰۱۰۸

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۴۱۱۵۴

وضعیت رکورد: فیپا



نشر گویا

خیابان کریم خان زند، روبروی ایرانشهر، پلاک ۸۹

تلفن: ۸۸۳۱۳۴۳۱ - ۸۸۸۲۸۸۸۴

www.gooyabooks.com info@gooyapub.com



gooya.publication
gooyabookstore

www.ketab.ir

کوتاه ترین داستان های کوتاه جهان

گردآورنده: استیو ماس

ترجمه: اسدالله امرایی

● صفحه آرا: فریا محمدپور

طراح جلد: جواد آشتباری

چاپ نخست: ۱۴۰۰

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۹۱-۸۸-۹

چاپ: خانهای فرهنگ و هنر گویا

حق چاپ و انتشار کلیه مطالب محفوظ است.

هرگونه اقتباس و استفاده از مطالب منوط به دریافت اجازه از ناشر است.

یادداشت نویسنده

داستان چقدر کوتاه باشد که داستان به شمار آید؟ چارلز شولتز پاسخ این پرسش را چند سال قبل در کمیک استریپ هایش به اسم «بادام زمینی‌ها» داده است. یکبار که لینوس را بومی پیر و فرتوت خواست که لطفاً لطفاً لطفاً برایش داستانی تعریف کند، گفت: «مردی به اینجا آمد: زندگی کرد و مرد. تمام.»

کوتاه‌ترین داستانی که خوانده‌ام همین است. اما من هم مثل لینوس ارضا نشدم.

پس شاید بشود این سؤال را به طریق دیگری طرح کرد. داستان کوتاه چقدر کوتاه باشد و در عین حال داستان خوبی هم باشد؟ کوتاه‌ترین داستانی که خواننده را راضی می‌کند چقدر است؟ فکر می‌کنم جواب را یافته باشم. شما هم که این کتاب را در دست گرفته‌اید لابد به همین نتیجه رسیده‌اید.

یک لحظه فکر کنید که پارگراف بالا دقیقاً ۵۵ کلمه است. رقم خیلی ناچیزی است. پس چگونه می‌توان چنین محدوده یا کیفیتی را با آن منتقل کرد. فقط می‌دانم که این اندازه‌ی فیتی فایو فیکشن است، یعنی داستان پنجاه و پنج کلمه‌ای. در پنج بخشی که پیش روی شماست جنایت، عشق،

مرگ، هراس، جنایت و جهان ماورا را همراه با دیو درون می‌یابید. همه‌شان هم در پنجاه‌وپنج کلمه بیان شده است.

نخستین مسابقه‌ی داستان پنجاه‌وپنج کلمه‌ای را در پاییز ۱۹۸۷ برگزار کردم که قمار بود. در واقع اطمینان نداشتم که نویسنده‌ها از پس آن برآیند. باید بگویم همه داستان‌هایی که در آن سال فرستادند خوب نبود، اما گاه و بیگاه در میان متن‌های ارسالی گوهری یافت می‌شد که نویسنده با درک موضوع آن را پرورده بود. اغلب سعی دارم این خلاقیت‌های پنجاه‌وپنج کلمه‌ای را برای دیگران توضیح دهم، اما بیشتر آنها خیال می‌کردند خل شده‌ام. حالا این کتاب را فراهم کرده‌ام تا نشانشان دهم. مجموعه‌ای است از بهترین آثاری که برای من فرستاده‌اند.

اگر نگاهی به این کتاب بیندازید، لابد می‌فهمید چه می‌گویم. به احتمال زیاد این نکته را هم درمی‌یابید که غیر از حجم پنجاه‌وپنج کلمه داستان در پایان ناگهانی آن نیز وجه اشتراک دارند. بسیاری از نویسندگان دریافته‌اند که با این حجم کم داستان باید نکته‌ای فوق العاده هم داشته باشد و پی رنگ داستان‌ها هم بر این اساس ریخته شده است.

سریال «منطقه شامگاه» با شرکت برجس مردیت، کرم کتابی عینکی را نشان می‌دهد که خود را تنها بازمانده قتل عام اتمی می‌یابد و عینکش را در میان کوهی از کتاب‌ها می‌شکند و این داستان را می‌توان در داستان پنجاه‌وپنج کلمه روایت کرد. داستان پنجاه‌وپنج کلمه‌ای کوتاه‌ترین شیوه داستان‌سرایی است که در آن هر کلمه‌ای به دقت انتخاب می‌شود تا تأثیر گذارتر باشد. اگر اوهنری هم ناچار بود داستانی را پشت کارت ویزیت بنویسد همین شیوه را انتخاب می‌کرد یا هر نقطه شامگاه هم اگر یک دقیقه طول می‌کشید باید از همین روش بهره می‌گرفت.

داستان‌های کوچک «اچ اچ مونرو» در قالبی کوچکتر.